



دست روی شانه |

۴۰ جُستار، ۵۶ عکس |

از عکاسان ایرانی |

یوریک کریم مسیحی |



نقد محتوایی با رویکرد فمینیستی بر کتاب «دست روی شانه» نوشته‌ی

یوریک کریم مسیحی

درس: تجزیه و تحلیل و نقد عکس

استاد: محمد خدادادی مترجم زاده

دانشجو: ندا عزیزی

شماره دانشجویی: ۴۰۳۱۸۳۳۵۱۰۷

دانشگاه هنر

تابستان ۱۴۰۴

چکیده

این متن نقدی است بر کتاب «دست روی شانه» نوشته یوریک کریم‌مسیحی. کتاب شامل ۴۰ جستار و ۵۶ عکس است و در میان این جستارها، در ۲۵ جستار موضوع عکس‌ها زنان‌اند. هدف این نوشته ارائه‌ی نقدی درباره‌ی انتخاب‌ها و تأثیر کتاب بر بازنمایی زنان در عکاسی معاصر ایران است. رویکرد این نقد فمینیستی است. در ادامه معرفی مختصر اثر و مؤلف، روش کار ذکر می‌شود و سپس نقد کلی کتاب و تحلیل سه تصویر منتخب آورده می‌شود.

معرفی کوتاه اثر و مؤلف

یوریک کریم‌مسیحی (متولد ۱۳۴۳) از چهره‌های شناخته‌شده‌ی نقد عکاسی در ایران است. در «دست روی شانه» که چاپ اول آن توسط انتشارات بیدگل در سال ۱۴۰۰ در ۲۹۱ صفحه با چاپ رنگی در قطع وزیری چاپ شده است، او مجموعه‌ای از جستارهای کوتاه و میان‌متنی را ارائه می‌کند که هر جستار به یک یا چند عکس می‌پردازد و سعی دارد از دل تصویر، پرسش‌هایی درباره‌ی هویت، تاریخ و تجربه‌ی اجتماعی بیرون بکشد. ساختار کتاب جستارمحور است؛ یعنی نویسنده با زبان نزدیک به داستان، فضای معنایی هر عکس را باز می‌کند. انتخاب ۴۰ جستار و ۵۶ عکس نشان می‌دهد کریم‌مسیحی می‌خواهد طیف گسترده‌ای از تصاویر و نگاه‌ها را به خواننده نشان دهد — و اینکه ۲۵ جستار به موضوع زنان می‌پردازد، نشان‌دهنده‌ی تأکید ویژه‌ی کتاب بر حضور زن در روایت تصویری ایران است.

روش و محدوده نقد

روش این نوشته تحلیل محتوا و خوانش جستارهاست؛ هدف بررسی نحوه چینش عکس‌ها، جهت‌گیری متن‌ها نسبت به سوژه‌ی زن، و تأثیر کلی کتاب بر تاریخ‌نگاری تصویری است. از بحث‌های نظری مفصل درباره‌ی نقد فمینیستی پرهیز شده و تنها نکات مربوط به خود کتاب و شیوه‌ی نویسنده آورده شده است.

نقد کلی کتاب

۱. نقاط قوت:

- تنوع تصاویر و جستارها باعث شده خواننده با شکل‌های متفاوت نمایش زن در عکاسی ایران آشنا شود.
- زبان جستارها معمولاً تأمل‌برانگیز و در عین حال صمیمی است؛ این کمک می‌کند خواننده‌ی عمومی هم وارد بحث شود.

- تمرکز نسبی بر عکس‌های زنانه (در ۲۵ جستار) نشان‌دهنده‌ی تلاش کتاب برای بازخوانی روایت‌های زنانه در تاریخ بصری است.

۲. کاستی‌ها:

- گاهی متن جستار بیش از حد احساساتی یا شخصی می‌شود و از نقد دقیق تصویری فاصله می‌گیرد.
- در برخی جستارها، ارجاع دقیق به منابع تاریخی یا اطلاعات زمینه‌ای عکس ناقص است؛ این موضوع خواننده‌ی پژوهشگر را دچار ابهام می‌کند.
- ترکیب عکس‌های «شناخته‌شده» و «ناشناخته» خوب است اما گاهی ترتیب جستارها ارتباط معنایی قوی‌ای ایجاد نمی‌کند و خواننده برای دنبال کردن خط موضوعی نیازمند کمک بیشتری است.

نقد سه عکس منتخب

(۱) عکس زن در تظاهرات دی ۱۳۵۷، عباس عطار (جستار ۹: «نقطه خط»)

این عکس زنی را نشان می‌دهد که در میان جمعیت انقلابی قرار گرفته است. نکته‌ی مهم عکس حضور زن در فضایی است که اغلب به عنوان عرصه‌ی مردانه خوانده می‌شود؛ خود حضور او پیام مقاومت و خواست دیده‌شدن را منتقل می‌کند. نویسنده در جستار، به خوبی بر این تناقض میان قرارگیری فیزیکی زن (در انتهای صف و در ردیف پایین) و بار نمادین حضور او تأکید کرده است. به طور کلی عکس توانایی ایجاد همدلی و پرسش درباره‌ی نقش زنان در آن زمان را دارد.



عکس ۱: زنی در تظاهرات علیه رژیم شاه، ایستاده در پشت ردیف مردان، عباس عطار، تهران، دی ۱۳۵۷

۲) عکس بی‌عنوان کاوه کاظمی (جستار ۱۸: «فقط آنجا»)

این عکس فضای روزمره‌ی شهری را به نمایش می‌گذارد و زن را در بافتی نیمه‌خصوصی / نیمه‌عمومی نشان می‌دهد. نکته‌ی مؤثر تصویر، سادگی و روزمره‌بودن سوژه است که هیچ اشاره‌ی قهرمانانه یا مظلومانه‌ای ندارد؛ همین طبیعی‌بودن باعث می‌شود خوانش‌های کلیشه‌ای از زن شکسته شود. نویسنده جستار با زبانی ملایم امکان خوانش‌های متعدد را باز می‌گذارد، اما گاهی تحلیل به کلی‌گویی می‌رسد و از جزئیات تصویری که می‌توانست پرسش‌های قوی‌تری بسازد، عبور می‌کند.



عکس ۲: بدون عنوان، کاوه کاظمی، تهران، بدون تاریخ (حدود ۱۳۶۲)

۳) عکس از مجموعه «گریه برای آزادی»، فروغ علایی (جستار ۳۹: «شیر بادیه»)

عکس‌هایی که درباره‌ی ورود زنان به ورزشگاه و اعتراضات مرتبط ثبت شده‌اند، قدرت جمعی و آراذه‌ی مستقیم زنان را نشان می‌دهند. این تصویر خاص با فشردگی جمعیت، حالت‌های چهره و حرکت بدن‌ها، حس کنش جمعی را تقویت می‌کند. جستار در کتاب به درستی اهمیت سیاسی و نمادین این تصاویر را برجسته می‌سازد؛ اما در عین

حال می‌توانست درباره‌ی نحوه‌ی انعکاس بین‌المللی این عکس‌ها و تأثیرشان بر خوانش داخلی بحثی کوتاه‌تر و دقیق‌تر بیاورد.



عکس ۳: از مجموعه گریه برای آزادی، فروغ علایی، ورزشگاه آزادی، تهران، ۱۳۹۸

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«دست روی شانه» کتابی است که با جستارهای متنوع و عکس‌های انتخابی، توجه را به حضور زن در تاریخ بصری معاصر ایران جلب می‌کند. قوت کتاب در ایجاد یک گفت‌وگو میان تصویر و متن است و در مواردی که نویسنده با ظرافت به جزئیات می‌پردازد، خوانش‌های تازه‌ای از نقش زن در عرصه‌ی عمومی پدید می‌آورد. با این حال، کتاب گاه از نظر روش‌شناسی دقیق و استنادهای تاریخی نیازمند تقویت است تا برای مخاطب دانشگاهی نیز از نظر پژوهشی کاملاً قانع‌کننده باشد. کتاب «دست روی شانه» نقطه‌ی قوتی در تمرکز بر تصویر زن دارد؛ انتخاب ۲۵ جستار با موضوع زنان در دل ۴۰ جستار نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی کتاب برای بازخوانی روایت زنانه است. هرچند کتاب نیاز به تقویت برخی ارجاعات و روش تحلیلی دارد، اما به عنوان یک متن جستارمحور می‌تواند مخاطب گسترده‌ای را به بازاندیشی نسبت به جایگاه زن در تاریخ تصویری ایران دعوت کند.